خبر

شمشین محکوم به قصاص در گلستان بخشیده شد

رئیس شورای حل اختلاف گلستان گفت: ششمین محکوم به قصاص در گلستان بخشیده شد. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دادگستری کل گلستان، احمد جعفری اظهار کرد: حدود هشت سال قبل در جریان یک نزاع، یکی از طرفین دعوا کنترل خود را از دست داد و متأسفانه با چاقو مرتکب قتل شد.معاون قضایی رئیس کل دادگستری گفت: با درخواست خانواده مقتول و پس از تایید دیوان عالی کشور و استیذان (اجازه اجرای حکم قصاص) رئیس قوه قضاییه، قرار بود به زودی حکم قصاص قاتل اجرا شود.جعفری افزود: پس از اطمینان از ابراز ندامت و اصلاح زندانی، اعضای شورای حل اختلاف شعبه ۱۱ صلحی گنبد کاووس به همراه معتمدان و ریش سفیدان محلی، تلاش برای کسب رضایت اولیای دم را آغاز کردند.وی تصریح کرد: از ابتدای امسال تاکنون این ششمین خانواده گلستانی است که با صبوری ترجیح دادند از حق شرعی و قانونی خود بگذرند و فرصت زندگی دوباره به یک محکوم دهند.

نمایشگاه مطبوعات و رسانه‌های گلستان برگزار می‌شود

مدیرخانه مطبوعات و رسانه گلستان گفت: نمایشگاه مطبوعات و رسانه‌های گلستان همزمان با هفته خبرنگار از ۱۳ تا ۱۷ مرداد ماه در گرگان برپا می‌شود. به گزارش مهر، هادی علمدار اظهار کرد: نمایشگاه مطبوعات و رسانه‌های گلستان همزمان با هفته خبرنگار از ۱۳ تا ۱۷ مرداد ماه در گرگان برپا می‌شود.وی افزود: بسیاری از ظرفیت‌های رسانه استان در قالب نمایشگاه مطبوعات برای مردم و مسئولان قابل شناسایی است و از این ظرفیت‌ها در جهت بهبود کیفی رسانه‌ها می‌توان استفاده کرد. علمدار نمایشگاه مطبوعات را فرصتی برای تعامل میان اصحاب رسانه دانست و گفت: این تعامل در نهایت به سود فضای رسانه‌ای استان بوده و می‌تواند محل مناسبی برای معرفی رسانه‌ها به مخاطبان باشد.وی با بیان این که این مهم باید جدی‌تر از دوره‌های گذشته پیگیری شود، تصریح کرد: نباید به نمایشگاه مطبوعات تنها به عنوان ویترینی برای رسانه‌ها نگاه کرد بلکه این رویداد به عنوان مهم‌ترین اتفاق برای رسانه‌های گروهی، باید به محفل تخصصی رسانه‌ها تبدیل شود.علمدار گفت: برپایی نمایشگاه مطبوعات نقش مهم و تاثیرگذاری در آشنایی مردم با رسانه‌ها و ارتقاء سواد رسانه‌ای آنها دارد و تعامل، تبادل و به روزرسانی اطلاعات از مهم‌ترین اهداف برپایی نمایشگاه مطبوعات است.نمایشگاه مطبوعات با حضور ۳۴ رسانه شامل خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های خبری و تحلیلی، هفته‌نامه‌ها و سایر نشریات استانی از امروز آغاز به کار می‌کند.

آماده معاوضه زمین دبیرستان طالقانی گرگان با ارزش برابر هستیم

رئیس آموزش و پرورش شهرستان گرگان گفت: زمین جنب فرمانداری گرگان (دبیرستان طالقانی) فقط با زمینی با ارزش برابر واگذار می شود.تربتی نژاد در گفتگو با مهر اظهار کرد: زمین جنب فرمانداری (دبیرستان طالقانی)، برای آموزش و پرورش گرگان به عنوان یک درآمد اختصاصی و مهم است.وی افزود: این زمین از لحاظ جایگاه استراتژیک و مهم محسوب می شود و نمی توانیم به راحتی آن را در اختیار دستگاه دیگری قرار دهیم. تربتی نژاد با بیان این که این کار نیاز به اقدام کارشناسانه دارد، ادامه داد: اگر زمینی با همین موقعیت و ارزش ریالی به آموزش و پرورش گرگان از طرف شهرداری پیشنهاد شود می توانیم برای واگذاری آن اقدام کنیم اما تا به حال چنین موقعیتی پیشنهاد نشده است.گفتنی است دبیرستان طالقانی گرگان که در جوار فرمانداری قرار دارد و اکنون به پارکینگ تبدیل شده است جزو طرح شهرداری برای توسعه فضای سبز پارک شهر محسوب می شود. با روی کار آمدن فرماندار جدید در گرگان، صفوی برای جابجایی فرمانداری و تبدیل به آن فضای سبز اعلام آمادگی کرد و از آموزش پرورش گرگان هم خواست با همراه شدن در این طرح و واگذاری زمین مدرسه طالقانی به توسعه فضای سبز گرگان کمک کند.

بازار کود گلستان در قبضه دلالان

نبود نظارت کافی و سوء مدیریت باعث شده بازار کود اوره در گلستان در دست دلالان بیافتد و هر پاکت کود با ۱۰۰ درصد افزایش نسبت به قیمت واقعی به کشاورزان عرضه می‌شود. به گزارش مهر، در شرایطی که پس از التهاب بازار کود، قیمت کود اوره در کشور به قیمت قبلی (پاکت ۵۰ کیلوگرمی ۳۸ هزار و ۵۰۰ تومان) بازگشت اما بازار کود در گلستان همچنان آشفته است و کشاورزان از عرضه کود به قیمت ۸۰ هزار تومان گلایه دارند. ایران در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان اوره پتروشیمی است؛ به طوری که این محصول توسط ایران به کشورهایی همچون هند، چین، پاکستان، ترکیه، سوریه، سریلانکا، مالزی، مکزیک و موزامبیک صادر می‌شود.در شرایط فعلی ظرفیت تولید کود اوره پتروشیمی ایران حدود پنج میلیون تن در سال است که حدود دو میلیون تن توسط پتروشیمی‌ها تحویل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی و تعاون روستایی کشور شده و مابقی به بازارهای جهانی صادر می‌شود. با این وجود، تیرماه سال‌جاری افزایش یکباره کود اوره توسط پتروشیمی بازار را ملتهب کرد و پس از چند روز با ورود دولت و دستور رییس جمهور التهاب فروکش کرد و قیمت‌ها به قبل بازگشت.اما پس از فروکش کردن التهاب در بازار کود کشور، بازار این محصول در گلستان همچنان آشفته است و کود اوره (سفید) با ۱۰۰ درصد افزایش نسبت به قیمت اعلام شده از سوی دولت در گلستان عرضه می‌شود و این در شرایطی است که کشاورزان گلستانی برای کشت‌های تابستانه (شالی، ذرت، دانه‌های روغنی و پنبه) همچنان به کود نیاز دارند.یکی از کشاورزان گلستانی با انتقاد از وضع موجود اظهار کرد: قیمت کود در یک ماهه اخیر بیش از ۱۰۰ درصد افزایش داشته است و کوه سفید در گلستان بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان در بازار عرضه می‌شود. علی حاتمی افزود: هم‌اکنون شالی، ذرت، پنبه و دانه‌های روغنی نیاز به کود دارند اما کود سفید (اوره) به قیمت دولتی ۳۸ هزار و ۵۰۰ تومان در بازار وجود ندارد. وی با انتقاد از کمبود کود در گلستان، ادامه داد: بر بازار توزیع کود در استان هیچ نظارتی انجام نمی‌شود و بازار در دست عده‌ای دلال است. به گفته وی در شرایطی که کارگزاران و عاملان رسمی فروش، کودی برای عرضه به کشاورزان ندارند اما کود به نرخ ۸۰ هزار تومان و بیشتر از این مبلغ به وفور در بازار عرضه می‌شود.هرچند کشاورزان از کمبود کود در فصل کشت بهاره و تابستانه در گلستان گلایه دارند اما سرپرست شرکت خدمات حمایتی کشاورزی استان گلستان نه تنها کمبود کود در استان را تایید نمی‌کند بلکه معتقد است بیش از نیاز، کود وارد استان شده و حتی از برنامه جلو هستیم. حبیب‌الله حسام به تشریح وضع موجود پرداخت و اظهار کرد: پتروشیمی‌های کشور سالانه حدود پنج میلیون تن کود اوره تولید می‌کنند که حدود دو میلیون تن در داخل کشور مصرف شده و مابقی صادر می‌شود.وی افزود: بر اساس هماهنگی‌های انجام‌شده، شرکت خدمات حمایتی موظف است دو میلیون تن کودی که باید به مصرف کشاورزی برسد را به نرخ کف پتروشیمی (هر کیلوگرم ۶۱۲.۵) به دست مصرف کننده برساند.سرپرست شرکت خدمات حمایتی کشاورزی استان گلستان با اشاره به این‌که نرخ ۶۱۲.۵ قیمتی است که دولت آن را پذیرفته است، ادامه داد: در واقع با این قیمت و احتساب هزینه‌های جانبی حمل و نقل، سود بانکی، خواب سرمایه، کارمزد توزیع پیمانکاران هر کیلوگرم کود اوره به قیمت ۷۷۰ تومان باید به دست مصرف کننده برسد و فروش آن بیشتر از این قیمت جرم است.وی اضافه کرد: سال گذشته پتروشیمی‌های کشور شکایت کرده و از دیوان عدالت اداری رأی گرفتند که کود اوره به قیمت بورس در بازار عرضه شود در شرایطی که قیمت بورس هر لحظه قابل تغییر است.حسام تصریح کرد: تا اوایل تیرماه امسال پتروشیمی‌های کشور این رأی را اجرا نکردند اما از روزهای نخست تیرماه بدون هماهنگی با دولت، کود اوره به طور هماهنگ در کشور به قیمت بورس عرضه شد که آن زمان قیمت کف بورس هر کیلوگرم کود اوره ۹۵۰ تومان بود.وی توضیح داد: اختلاف ۳۳۷.۵ تومانی قیمت کف مصوب دولت با قیمت کف بورس باعث شد در یک برهه زمانی دولت اجازه خرید به شرکت خدمات حمایتی را ندهد چون باید مشخص می‌شد این مابه‌التفاوت را چه کسی باید پرداخت کند و همین امر باعث ایجاد وقفه در توزیع کود در کشور و استان گلستان شد. وی با اشاره به این‌که این اختلاف قیمت عدد بزرگی بود، بیان کرد: اگر قرار بود این اختلاف قیمت را کشاورز بپردازد در این مقطع زمانی و با وجود بحران اقتصادی به صلاح کشاورز نبود و در نهایت با مکاتبه انجام شده از سوی رییس سازمان جهادکشاورزی به رییس جمهور، این موضوع در هیئت دولت تصمیم‌گیری شد و قرار شد کود اوره به همان قیمت قبل (هر کیسه ۵۰ کیلوگرمی به قیمت تمام شده ۳۸ هزار و ۵۰۰ تومان) عرضه شود.حسام به وضعیت توزیع کود در استان هم اشاره کرد و گفت: بر اساس سنجش جهاد کشاورزی گلستان، نیاز استان در سه ماهه نخست سال ۱۵ هزار و ۲۰۰ تن بود که در این مدت بیش از ۱۶ هزار تن کود به استان وارد شد.

اوضاع کود در استان عادی نیست

وی با تأکید بر این‌که نه تنها از برنامه عقب نیستیم بلکه از برنامه جلوتر هستیم، افزود: تا پایان سال باید ۱۶۲ هزار تن کود وارد استان شود و این میزان بین ماه‌های سال تقسیم شده و ممکن است در یک ماه مصرف کمی بالاتر رود و در این شرایط کمبود یک درصدی کود هم خودش را نشان می‌دهد.حسام متذکر شد: ما طبق برنامه عمل کرده‌ایم اما اوضاع کود در استان عادی نیست چرا که کشاورزان نگران کمبود و یا افزایش قیمت کود هستند از این‌رو در شرایطی که در هفته نخست تیرماه نیاز استان بر اساس برآوردهای انجام شده حدود یک هزار تُن بود بیش از چهار هزار تن درخواست کود داشتیم. وی با بیان این‌که این نیاز واقعی نیست و بخش قابل توجهی از آن کاذب است، خاطرنشان کرد: هرساله در گلستان در چنین شرایطی در انبارها ذخیره داشتیم اما امسال نداریم؛ اگر نیاز و درخواست استان چهار هزار تن بود ما ۶ هزار تن در انبارها کود داشتیم اما امسال پتروشیمی‌ها یک کیلو بیشتر از سهمیه به استان اختصاص نمی دهند.سرپرست شرکت خدمات حمایتی کشاورزی استان گلستان در حالی که معتقد است شرایط بازار کود در استان گلستان عادی نیست اما اصرار دارد که با کمبود مواجه نیستیم، موضوعی که دبیر خانه کشاورز استان گلستان ابعاد دیگر آن را تشریح می‌کند و از ورود دلالان به بازار کود استان و دپو کود مازاد مصرف کشاورزان در انبارها خبر می‌دهد. علی قلی ایمانی اظهار کرد: بحث کود در استان گلستان از آنجا آغاز شد که پتروشیمی‌ها اصرار داشتند که قیمت کود باید افزایش یابد و به همین دلیل وقفه‌ای در توزیع کود در کشور ایجاد شد و در حالی که کارگزاران خرید می‌کردند، آن ها اجازه حمل و بارگیری و ورود آن را به استان نمیدادند.وی افزود: پس از این‌که حل این موضوع در دستور کار دولت قرار گرفت و رییس جمهور دستور داد پتروشیمی‌ها اجازه ندارند قیمت را افزایش دهند چرا که سوخت را یارانه ای دریافت می‌کنند و کود باید بر اساس همان قیمتی که سازمان حمایت از تولید کننده و مصرف کننده قیمت گذاری کرده عرضه شود، قیمت به همان کیسه ای ۳۸ هزار و ۵۰۰ تومان بازگشت.دبیر خانه کشاورز استان گلستان با یادآوری این‌که در بودجه سنواتی سال ۱۳۹۷ هم آمده است امسال نباید قیمت نهاده‌های کشاورزی افزایش یابد، گفت: اما در حال حاضر قیمت کود در بازار ۳۸ هزار و ۵۰۰ تومان نیست بلکه هم اکنون تا ۸۰ هزار تومان هم معامله می‌شود.وی به دلایل بالا بودن قیمت کود در بازار گلستان اشاره و بیان کرد: وقتی کمبودی در بازار احساس می‌شود یکسری افراد سودجو وارد می‌شوند و به قصه دامن می‌زنند وگرنه ظرف چند روز گذشته حدود پنج هزار تن کود وارد استان شده است.وی ادامه داد: اگر سطح اراضی و میزان کشت را حساب کنیم به هر هکتار زراعت تابستانه چهار تا پنج پاکت کود رسیده است و این میزان خیلی بیشتر از نیاز استان است.

دلالان حرص و ولع در جامعه ایجاد کردند

ایمانی اضافه کرد: شرایط بازار کود در استان نشان می‌دهد یک عده دلال و افراد فرصت طلب حرص و ولع در جامعه ایجاد کرده‌اند و به رغم این‌که سازمان جهادکشاورزی دستور داده بر توزیع کود نظارت کافی وجود داشته باشد و میزان کود تحویلی در دفترچه کشاورزان ثبت شود اما شرایط به درستی مدیریت نمی‌شود.وی با تأکید بر این‌که در شرایط فعلی کمبود کود در استان نداریم، تصریح کرد: در حال حاضر میزان قابل توجهی کود خریداری شده و مقدار کمی از آن مصرف و مابقی در انبارها دپو می‌شود.وی خاطرنشان کرد: بازهم تأکید می‌کنم کمبود کود در استان نداریم و کود مورد نیاز کشاورزان به موقع تأمین می‌شود و جای نگرانی بابت افزایش قیمت کود اوره تا پایان سال وجود ندارد.هرچند دبیرخانه کشاورز استان گلستان توپ افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت کود اوره در گلستان را در زمین دلالان می‌اندازد اما یکی از کارگزاران کود و عاملان فروش این محصول معتقد است که کشاورزان ناخواسته به بازار ملتهب کود در استان دامن زده‌اند و حالا هم که پای دلالان به این موضوع بازار شده نظارت‌ها و برخوردها کافی نیست.موسی فندرسکی اظهار کرد: بخش زیادی از تقاضای بازار کاذب است و بخشی از آن به نگرانی کشاورزان از آینده باز می‌گردد و بخشی هم دلالان می‌خواهند از آب گِل آلود ماهی بگیرند. وی افزود: هر پاکت کود اوره در گلستان هم اکنون با ۳۰ تا ۴۰ تومان اختلاف با قیمت واقعی به کشاورز فروخته می‌شود برخی از کشاورزان هم ناخواسته به دلالان کمک می‌کنند.وی که حدود ۲۰ سال سابقه فعالیت در کارگزاری و توزیع کود دارد، ادامه داد: عده ای از دلالان به هر طریقی دفترچه کشاورزان را از آن‌ها می‌گیرند و با کاغذ بازی از ما کود دریافت می‌کنند و ما کارگزاران هم نمی‌توانیم کود را به کسی که دفترچه دارد و جهادکشاورزی نوبتش را اعلام کرده، تحویل ندهیم.وی اضافه کرد: در حال حاضر همه کشاورزان اطلاع دارند چه کسی در بازار، کود آزاد (۸۰ هزار تومانی) دارد اما کشاورزان سکوت کرده و کود را به قیمت ۸۰ هزار تومان می‌خرند و جهادکشاورزی و تعزیرات هم نظارت کافی بر بازار ندارند.فندرسکی تصریح کرد: هرچند بازار کود در گلستان ملتهب است اما برخورد قاطع و جریمه سنگینی برای دلالان کود در استان در نظر گرفته نمی‌شود و در این شرایط دلالان بدون ریسک و دغدغه هم سود خوبی به جیب می‌زنند و هم جو روانی در بازار ایجاد می‌کنند.وی بیان کرد: در چنین شرایطی عده ای از کشاورز هم با خیال این‌که شرایط عادی نیست و احتمال افزایش قیمت در روزهای آینده وجود دارد، بیشتر تقاضا می‌کنند.به گفته وی بخش قابل توجهی از آشفتگی بازار کود در گلستان به دلیل سوء مدیریت ها و کافی نبودن نظارت‌هاست اما کشاورزان هم به دلیل تعارف و یا هر علت دیگری با در اختیار قرار دادن دفترچه کشاورزی به دلالان، باعث می‌شوند افراد سودجو کود کشاورز را به دو برابر قیمت واقعی به کشاورز بفروشند.فندرسکی با اشاره به این‌که ۳۵ روز قبل کود را به طور نقد خرید کرده اما هنوز کود به کارگزاری تحویل نشده است، خاطرنشان کرد: در این شرایط که کارگزاران کودی برای توزیع در اختیار ندارند و انبارهای دلالان با کود ۳۸ هزار و ۵۰۰ تومانی پُر شده و هم اکنون کشاورز به کود نیاز دارد و کود به قیمت ۸۰ هزار تومان به آن‌ها فروخته می‌شود و این چرخه معیوب همچنان ادامه می‌یابد.در شرایطی که برخی از مسئولان اصرار دارند بازار کود در گلستان التهاب روزهای نخست تیرماه را ندارد اما بازار قیمت کود در استان همچنان آشفته است و نظارت کافی بر بازار وجود ندارد و برخورد قاطعی با دلالان صورت نمی‌گیرد و چالش کشاورزان گلستانی برای تهیه کود همچنان ادامه دارد.

موتورسواران گلستان کلاه ایمنی گرفتند

معاون حمل و نقل اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گلستان از توزیع یکهزار و ۳۰۰ کلاه ایمنی رایگان بین موتورسواران استان در سال جاری خبر داد و گفت: طبق آمار مراجع ذیصلاح در چهار ماه گذشته ۴۴ درصد تلفات سوانح رانندگی مربوط به راکبان موتور بوده است.

به گزارش ایرنا، ایوب میرشاهی در حاشیه گردهمایی ارتقای ایمنی موتور سوران بندرترکمن اظهار داشت: در راستای تامین ایمنی و سلامت موتورسواران، این تعداد کلاه ایمنی در ۱۱ همایش در نقاط مختلف استان توزیع شد وی همچنین به طرح ایمن سازی مدارس واقع در حاشیه جاده های استان اشاره کرد و افزود: اجرای این طرح برای ارتقای ایمنی دانش آموزان، جلوگیری از آسیب های جانی آنان، فرهنگ سازی بهبود وضعیت ایمنی عبور و مرور ضروری است.به گفته وی، مدارس حاشیه جاده ها به صورت فیزیکی و آموزشی ایمن سازی می شود.معاون حمل و نقل گلستان تصریح کرد: ایمن سازی فیزیکی شامل اقدامات همچون آرام سازی ترافیک، نصب تابلو و خط کشی عابر پیاده و ایمنی عبور و مرور دانش آموزان است و ایمن سازی آموزشی نیز با ارائه آموزش های لازم اجرا می شود.

آب شیرین کن بندرترکمن ۱۰ هزار مترمکعب ظرفیت تصفیه دارد

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب گلستان گفت: تاسیسات آب شیرین کن بندرترکمن با ظرفیت تصفیه روزانه ۱۰ هزار مترمکعب آب لب شور توسط وزیر نیرو به بهره برداری رسید و آب آن وارد مدار شد. به گزارش ایرنا، محمد هادی رحمتی اظهار داشت: اجرای طرح آب شیرین کن نیازآباد بندرترکمن از مهرماه سال ۹۳ با هدف تصفیه آب های لب شور (حاصل ازچاه های حفرشده) و استحصال آب شرب از آن آغاز و روز پنج شنبه به بهره برداری رسمی رسید. به گفته وی، طرح ایجاد تاسیسات آب شیرین کن غرب گلستان با استفاده از توان و سرمایه بخش خصوصی و در قالب قراردادهای بی. او. او (BOO) (ساخت، تملک و بهره برداری) با مشارکت شرکت رعد آب جنوب و با اعتبار ۳۲۰ میلیارد ریال اجرا شد و دولت آب تولید شده را به صورت تضمینی خریداری می کند.وی اضافه کرد: این تاسیسات آب خام لب شور را از طریق چاه های احداث شده در پیرامون هسته تصفیه دریافت می کند و هفت هزار و ۵۰۰مترمکعب آب قابل مصرف به شبکه منطقه تزریق خواهد کرد.

آگهی‌های ثبتی

آگهی مزایده اموال غیر منقول کلاسه ۹۴۰۱۰۰۹

ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۴۳/۷۵ مترمربع(دویست و چهل و سه متر و هفتاد و پنج دسی مترمربع) که در آن احداث بنا شده به پلاک ۱۹۴۴(یک هزار و نهصد و چهل و چهار) فرعی از ۳ مکرر اصلی مفروز و مجزی شده از سیصد و بیست وپنج فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی مازاد اوزینه ذیل ثبت ۲۷۳۸ و ۸۱۵۸ و ۵۴۱۷۱ صفحات ۵۹۶ و ۳۹۱ و ۳۷ دفاتر جلد ۱۲ و ۴۰ و ۳۸۴ به نام فاطمه کریمی (یک دانگ و یکصد و بیست و پنج صدم دانگ مشاع از ششدانگ) و شکوفه کریمی(یک دانگ و یکصد و بیست و پنج صدم دانگ مشاع از ششدانگ) و آرش امیرسرداری (سه دانگ و هفتاد و پنج صدم دانگ مشاع از ششدانگ) ثبت و سند مالکیت صادر گردیده که محدود به حدود ذیل شمالا اول به طول دوازده متر پی دیواریست به پلاک هزار و نهصد و پنجاه و دو فرعی از سه مکرر اصلی دوم به طول هفت متر و پنجاه سانتی متر پی دیواریست به پلاک هزار و نهصد و پنجاه و یک فرعی از سه مکرر شرقا که به وضعیت جنوب شرقی به طول بیست و هفت متر و پنجاه سانتی متر به خیابان ده متری احداثی از مورد تفکیک جنوبا در امتداد خط منحنی پی دیواریست به طول چهار متر و ده سانتی متر به خیابان مزبور غربا به طول بیست و پنج متر پی دیواریست به پلاک هزار و نهصد و چهل و پنج فرعی از سه مکرر. نامبردگان ملکی خود را با کلیه مستحدثات و متعلقات منصوبه در ان که تا تاریخ ۱۳۹۷/۸/۱۰ دارای بیمه می باشد جهت اخذ تسهیلات به موجب سند رهنی شماره ۱۸۴۵۴ مورخ ۱۳۹۰/۷/۱۷ تنظیمی دفترخانه ۲۲ گرگان در وثیقه بانک پاسارگاد شعبه گرگان قرارداده که به علت عدم پرداخت بدهی منجر به صدور اجرائیه با موضوع لازم الاجرا ۲،۵۳۶،۴۳۸،۳۵۶ ریال که از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۵ روزانه مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال به بدهی اضافه می گردد که در این اداره پرونده کلاسه ۹۴۰۱۰۰۹ تشکیل و بنا به تقاضای بستانکار و در اجرای ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت ملک مورد وثیقه توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال(هشت میلیارد ریال) ارزیابی که قطعی گردید و برابر گزارش کارشناس منتخب ملک مزبور در گرگان خیابان شهید بهشتی بهشت ۲۳ پشت کارخانه وش رودکی ۴ مجتمع آرش واقع اسکلت بتنی ۴ طبقه ۸ واحدی جمعا به مساحت ۷۳۹ مترمربع احداث شده است واحدها هر کدام دارای دو خواب کف سرامیک دربها چوبی و پنجره ها آلومینیومی دوجداره کابینت ها فلزی MDF فاقد شوفاژ دارای آسانسور نما سنگ کاری و تگرگی دارای انشعابات آب مشترک گاز و برق مستقل چنانچه بابت حق الاشتراک و حق الامتیاز مصرف و عوارض شهرداری و بدهی مالیاتی اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده بر عهده برنده مزایده می باشد لذا جلسه مزایده از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۷/۶/۵ در محل اداره اجرای اسناد رسمی گرگان واقع در گلشن ۲۲ از مبلغ ارزیابی شروع به بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته خواهد شد لذا طالبین می توانند تا قبل از برگزاری مزایده از ملک مورد نظر بازدید به عمل آورند.

عظیمی پور ـ کفیل اداره اجرای مفاد اسناد رسمی گرگان ـ ۱۶۹۶ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای حسن ملا ابراهیمی فرزند حاجی بابا به ش شناسنامه ۲۰۴۲ با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق، مدعی شده که سند مالکیت شش دانگ عرصه و اعیان یکبابخانه بمساحت ۱۹۵/۷۵ مترمربع به شماره ورقه مالکیت ۳۳۶۳۶۴ـ۷۹۰۱۶۳ پلاک ۱۴۷۲۸ فرعی از ۱ ـ اصلی بخش ۱۰ حوزه ثبتی گنبد ذیل ثبت ۱۸۷۹۵ ـ ۴۸۳۷۴ ص ۱۰ ـ ۳۵۲ ج ۹۹ ـ ۲۸۷ بنام آقای حسن ملا ابراهیمی فرزند حاجی بابا به ش شناسنامه ۲۰۴۲ ثبت، صادر و تسلیم گردیده است و برابر سند رسمی ۳۳۱ ـ ۱۳۸۸/۳/۶ دفتر ۶۱ گنبد در رهن صندوق امام رضا(ع) قرار گرفته است، بعلت جابجائی مفقود گردیده است، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد و هر کس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ۱۰(ده) روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.

سارانی ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد ـ ۸۳۰۵ م الف

آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۸۷ آیین نامه اجرا پرونده کلاسه۹۶۰۰۳۰۴ وفق مقررات ماده ۱۸ آیین نامه اجرا

بدینوسیله به آقایان محمدرضا خاری فرزند خسرو به شماره شناسنامه ۲۸۴۶ متولد ۱۳۵۵/۵/۲۶ صادره از تهران کدملی ۰۰۶۷۶۹۸۱۹۰ به آدرس گرگان کوی خیام خیام ۱۴ سمت چپ درب هفتم پ۶ کدپستی ۴۹۱۹۷۵۴۶۱۹ و محمدرضا منتظری فرزند ابوالقاسم ش ش ۱۳۶۳ کدملی ۲۲۴۹۷۸۹۲۰۷ صادره از کردکوی ت ت ۱۳۶۰/۱/۲۹ نظر به اینکه بموجب پرونده اجرائیه به کلاسه مذکور اجرای گرگان بابت بدهی قرارداد به شماره ۳۵۰۱/۱۰۵۱۲۴۰۹/۱ مورخ ۹۰/۸/۲۸ به بانک پاسارگاد گرگان باستحضار می رساند که پلاک ثبتی ۲۷۸۴ فرعی از ۳۹۹۶ اصلی بخش ۱ گرگان و پلاک ۱۶۷۶ فرعی از ۱۲ اصلی بخش ۴ گرگان را در قبال طلب بازداشت نموده لذا مستدعی است پس از رویت این اخطار نسبت به واریز بدهی به صندوق اداره یا جلب رضایت بستانکار اقدام در غیر اینصورت بنا به درخواست بستانکار نسبت به ادامه عملیات اجرایی مبنی بر برگزاری مزایده اقدام و بدیهی است بعدا جای هیچ گونه اعتراضی نخواهد داشت و با توجه به این که طبق گواهی مامور ابلاغ چون امکان ابلاغ به شما میسر نگردیده بنا به درخواست بستانکار مفاد اخطاریه یک نوبت در جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد و ۱۰ روز پس از انتشار آگهی اخطاریه ابلاغ شده محسوب و عملیات اجرایی طبق مقررات اعمال می گردد.

حسین اسمعیلی ـ معاون اجرا واحد اجرای اسناد رسمی گرگان ـ ۱۶۹۷ م الف

خبر

وزیر نیرو:

پیشرفتی در جلب رضایت مردم نداشتیم

وزیر نیرو گفت: کم دقتی‌ها موجب شده با وجود اینکه کار انجام داده‌ایم اما پیشرفتی در رابطه با جلب رضایت مردم نداشته باشیم. به گزارش خبرنگار مهر، رضا اردکانیان عصر پنجشنبه در جلسه شورای اداری استان گلستان، اظهار کرد: در کنار چالش‌های موجود در کشور فرصت‌های مناسبی هم در اختیار داریم و از لحاظ ظرفیت‌های انسانی کشور ثروتمندی هستیم.وی افزود: در استفاده از منابع نیاز به برخورد صحیح با منابع تجدید ناپذیر داریم، در وزارت نیرو در شروع دوران مدیریت همزمان عرضه و تقاضا تاخیر داریم و باید یک دهه قبل این دوره را شروع می‌کردیم. اردکانیان تصریح کرد: باید در کنار پروژه‌ها به موضوع مصرف هم بپردازیم زیرا اگر مصرف را صحیح انجام دهیم حتی در تهران هم پیک بار کاهش می‌یابد.وی ادامه داد: خشکسالی باید ما را متوجه چگونگی مصرف آب کند، اکنون باید بدانیم روش‌های مصرف آب در بخش شرب، بهداشت، کشاورزی و ... نپردازیم دچار مشکل خواهیم شد.وزیر نیرو با بیان اینکه امسال پنج هزار مگاوات تولید برق را از دست دادیم، گفت: از اکنون برای سال آینده برنامه ریزی کردیم و برای تولید برق نیروگاه‌های ما مشخص شده‌اند.اردکانیان افزود: باید برای نحوه مصرف برنامه ریزی کنیم تا با خاموشی کمتری مواجه شویم و در تابستان‌ها وضعیت مناسب‌تری داشته‌باشیم.

وظیفه اصلی ارائه خدمات متوازن است

وی ادامه داد: اصلی‌ترین وظیفه ما این است که خدمات را به شکل متوازن ارائه دهیم و تبعیض قائل نشویم، تمام هموطنان ما مشترک‌های ما هستند و هیچ کس هموطن‌تر و مشترک‌تر نیست.اردکانیان در خصوص استفاده از مدیران جوان گفت: من با ۶۰ سال سن و این همه مسئولیت جای یک جوان را گرفته‌ام اما این انتخاب رئیس جمهور و اعتماد نمایندگان مجلس بوده است.وی اضافه کرد: شاید در این مصالحه و انتخاب به این نتیجه رسیدند که تجربیات من به کار گرفته شود و این تجربیات در این مقطع در اختیار جوانان نباشد.وزیر نیرو با بیان اینکه رضایت نداشتن مردم از وضعیت آزار دهنده است، گفت: متاسفانه در زمینه رضایتمندی مردم پیشرفتی نداشتیم که این یک نقیصه بوده و باید آسیب شناسی شود.اردکانیان افزود: کشور ما شرایط حساسی را می‌گذارند، امنیت ما و منطقه به هم وابسته است زیرا امنیت منطقه با امنیت ایران فراهم می‌شود.وی ادامه داد: اگر برخی بخواهند امنیت منطقه را بر هم بزنند باید سراغ ما بیایند، کار اقتصاد دنیا گره خورده و دشمنان این گره‌ها را معمولا با جنگ‌های بزرگ باز می‌کنند.وزیر نیرو بیان کرد: تردیدی نیست که دشمنان قصد دارند امنیت منطقه را بر هم بزنند تا مشکلات خودشان را حل کنند و برای بر هم زدن این اوضاع منطقه باید ابتدا اوضاع ما را بر هم بزنند.اردکانیان یادآور شد: باید برای افزایش رضایت مردم راه‌های موثرتری در نظر بگیریم، کم دقتی‌ها موجب شده با وجود اینکه کار انجام داده‌ایم اما رضایت مردم را به دنبال نداشته باشد.وی خاطرنشان کرد: باید مراقب باشیم که در خصوص مسئولان قبلی چه می‌گوییم، شیوه‌های طرح مطلب و احقاق حق مردم نباید به گونه‌ای باشد که جامعه بین چیزی که اتفاق افتاده و آن چیزی که انتظار دارد اتفاق بیفتد فاصله داشته باشد.به گفته‌ وی، کمیته استانی سازگاری با کم آبی فعال شده که بهترین جایگاه برای تدوین برنامه‌های مربوط به حوزه آب است و این کارگروه مانند کمیسیون دولت عمل می‌کند.

عملیات اجرایی فاز دوم طرح زهکشی اراضی اولویت دار گلستان آغاز شد

عملیات اجرایی فاز دوم طرح زهکشی اراضی اولویت دار گلستان در مراسمی با حضور وزیر نیرو آغاز شد. به گزارش مهر، صبح پنجشنبه با حضور وزیر نیرو عملیات اجرایی فاز دوم طرح زهکشی اراضی اولویت دار گلستان آغاز شد.وزیر نیرو در بدو ورود به گلستان از مراحل اجرایی پروژه زهکشی اراضی اولویت دار شهرستان ترکمن و آق قلا بازدید کرد و پس از مراسمی عملیات اجرایی آن به وسعت ۱۲ هزار هکتار آغاز شد.مدیر عامل شرکت آب منطقه ای استان گلستان در این مراسم اظهار کرد: کل محدوده اجرای طرح زهکشی اراضی اولویت دار در گلستان ۲۸۰ هزار هکتار است که از شرق به بخش غربی گنبدکاووس و از شمال به ترکمنستان، از غرب به دریای خزر و از جنوب به قره سو محدود است.علی نظری افزود: از مجموع ۲۸۰ هزار هکتار اراضی فوق، بخشی از اراضی در سطح ۵۲ هزار هکتار به دلیل شدت ماندابی و آبگرفتگی به عنوان اراضی اولویت دار است.نظری گفت: در سفر هیأت دولت به گلستان اجرای طرح زهکشی برای ۲۲ هزار هکتار از مجموع ۵۲ هزار هکتار اراضی اولویت دار مصوب و با اجرای فاز دوم که عملیات اجرایی آن آغاز شده، تعهدات دولت به طور کامل محقق خواهد شد.

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

یادداشت

ارزیابی نقد مارکس و نیچه

مهرزاد بوشهری

کژی و کاستی نقد نیچه و مارکس و فاصلهٔ آنها با درک مدرن ما از جهان و انسان، آنها را به حاشیهٔ بحثهای اخلاقی معاصر رانده است. نقد مارکس و نیچه به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و ساختار تفکر از موضوعیت زیادی در دنیای معاصر برخوردار است. این موضوعیت خود را در نه فقط در گسترهٔ نظریه و بحثهای پژوهشی که در عرصهٔ کنشهای اجتماعی و فرهنگی نشان داده است.ولی نقد آنها به اخلاق این موقعیت را پیدا نکرده است. علت نیز همانا کاستی نهفته در نقد آنها است. نقد مارکس از چشم انداز وضعیتی انجام می‌گیرد که یکسره تخیلی و وهم آلود جلوه می‌کند و نقد نیچه به نابرابری به توانمندی و رویکرد سرآمدانی گره خورده است که به خاطر توان فوق العاده خود می‌توانند بدون نیاز به ابزاری هنجاری زندگی کنند. در اینکه نقد مارکس و نیچه دارای هستهٔ رادیکال با طراوتی است تردیدی نیست. این هسته نکاتی را مطرح می‌کند که در بررسی آموزه‌های اخلاقی معاصر حتی از سوی اندیشمندان رادیکالی همانند بادیو و ژیژک نادیده گرفته می‌شود. اخلاق ابزار دروغ و فریب است. اخلاق به جای آنکه آنگونه که ادعا می‌کند انسان را مواجه با خود، با وضعیت اجتماعی و مادی خود سازد، او را فریب داده به جهانی وهم آلود می‌کشاند، جهانی که در آن انسان دیگر لازم نیست با واقعیت زندگی درگیر شود. اخلاق نه باوجود خود که بامرگ خود زمینهٔ رهایی انسان (از وهم و فریب) را فراهم می‌آورد. مارکس و نیچه بر آن هستند که انسانها در موقعیتهایی معین یا به صورت انسانهایی معین به اخلاق نیاز دارند. اخلاق مشکل اصلی انسانها را حل نمی‌کند ولی به آنها اجازه می‌دهد تا درد و رنج یا حقارت خود را تحمل کنند. اخلاق درد و رنج زحمتکشان یا حقارت فرودستان را محو نمی‌کند. نه کسی به خاطر آموزه‌های اخلاقی به کمک آنها می‌شتابد و موقعیت آنها را دگرگون می‌سازد و نه آنها خود به اتکاء آموزه‌های اخلاقی می‌توانند وضعیت خود را بهتر سازند. ساختار زندگی اجتماعی با رویکردهای فردی تغییر نمی‌کند و سرآمدان به اتکای توانمندی خود در جهان سروری می‌کنند. ولی اخلاق ابزاری مناسب برای فریب است. به وسیلهٔ آن می‌توان دیگران یا خود را فریفت و کسانی را به توجه و ترحم نسبت به وضعیت خود بر انگیخت. در نهایت اسارت می‌توان از آزادی انسان سخن گفت و خود را آزاد احساس کرد، در نهایت فقر می‌توان به عدالت اندیشید و جهان را در حرکت به سوی عدالت دید و در نهایت حقارت احساس خوشبختی کرد و بدبختی را نتیجهٔ غرور برخاسته از سرآمدی و توانمندی دانست. مشکل بحث مارکس و نیچه آن است که آنها مشخص نمی‌سازد که انسانها چگونه می‌توانند با واقعیت زندگی خود رو در رو شوند. اگر کارگران نخواهند بر مبنای وظیفهٔ اخلاقی و امید به عدالت با سرمایه داری مبارزه کنند آنگاه آنها باید چکار کنند؟ چرخ سرمایه داری را بهتر بچرخانند تا شرایط شکل گیری سوسیالیسم و کمونیسم هر چه زودتر فراهم شود؟ یا آنکه بر اساس احساس تنفر مادی و شور زیست خود با سرمایه داری دست به مبارزه بزنند – مبارزه‌ای صد البته بدون هدف و برنامه؟ این هر دو اما در ذهنیت هیچ مارکسیستی نمی‌گنجد. به همان سان سنخهای پست مد نظر نیچه باید در فقدان یا وداع با اخلاق چکار کنند؟ آنها که نمی‌توانند سرآمد شوند یا در چند حرکت از خود انسانهایی سرآمد بسازند. سرآمدی بنا به تعریف نه ویژگی توده‌ها که ویژگی افرادی یکتا و استثنایی است. در یکتایی و پذیرش آن توانمندی زاده می‌شود. اگر سنخهای پست به اتکاء نگرشی اخلاقی برای خود منزلت، اعتبار و جایگاهی معنامند در جهان نیافرینند، چه کار دیگری می‌توانند انجام دهند؟نه مارکس و نه نیچه، هیچکدام بدیلی را برای توده‌ها معرفی نمی‌کنند. مارکس نگاه به آینده‌ای آرمانی، جهانی بدون نیاز به ارزشها و آرمانهای اخلاقی دارد. ولی او هیچ مشخص نمی‌سازد که توده‌ها چگونه باید در جهان اکنون و اینجای اقتصاد بورژوایی زندگی و کار کنند. اخلاق با کارکرد ایدئولوژیک خود به کنشهای آنها هدف و معنا می‌بخشد. آنها بر مبنای باور به آزادی، در پی عدالت و از سر همبستگی (و خیرخواهی) نه تنها کار روزانهٔ خود را انجام می‌دهند که در صورت امکان مبارزه با بورژوازی و نظم موجود را پی می‌برند. در فقدان اخلاق، باید باورهای دیگری آنها را به کار، کنش و مبارزه بر انگیزد، ولی مارکس و مارکسیستها هیچ اشاره‌ای به چنین باورهایی ندارند. به سختی نیز می‌توان باور کرد که شور محض زیست با تضاد با نظم موجود آنها را به کار یا مبارزه بر انگیزد.نیچه نیز مشخص نمی‌سازد سنخهای پست مد نظر او چگونه، در فقدان اخلاق، می‌توانند از عهدهٔ فراز و نشیب زندگی بر آیند. اخلاق شاید باوری جعلی و فریبنده باشد و انسانها را از رویارویی با واقعیت سخت و تلخ زندگی بازدارد ولی برای کسانی که می‌دانند از عهدهٔ ستیز مستقیم رو در رو بر نمی‌آیند ابزار کاری مناسب است. این گروه هر کاری کنند وضعیت خود را نمی‌توانند دگرگون سازد. وضعیت آنها دارای وجهی نسبی است. تودهٔ انبوهی هستند که هیچگاه نمی‌توانند به موقعیت سر آمدانی انگشت شمار دست یابند. ولی آنها اگر نمی‌توانند وضعیت خود را تغییر دهند می‌توانند خود و سرآمدان را فریب دهند و به این شکل به موقعیت خود بهبودی یا دست کم ثبات بخشند. به خشنودی از خود برسند و رقابت سرآمدان و توان (رقابتی) آنها را خنثی سازند. در دستگاه فکری نیچه هیچ راهبرد ممکن دیگری برای سنخهای پست وجود ندارد. به هر رو، نقد مارکس و نیچه بر این بنیاد قرار دارد که در شرایطی معین، که می‌توان آنرا شرایطی مناسب خواند، هیچ نیازی به اخلاق وجود ندارد. نیاز به اخلاق، نیاز به ایدئولوژی، دروغ و خود فریبی زادهٔ شرایطی ویژه است. این شرایط که بر چیده شود دیگر نیازی به اخلاق نخواهد بود. در اصل، مارکس و نیچه به شرایط مناسب همچون شرایط بنیادین زیست می‌نگرند و به شرایط موجود (و معمولی زیست) همچون یک وضعیت استثنایی می‌نگرند. مشکل اما آن است که شرایط مناسب مد نظر آنها یا واهی است یا اشاره به وضعیتی از دید معاصر نا مطلوب دارد.

مروری بر اندیشه مارکس و برآوردی از آینده مارکسیسم

اسماعیل نوشاد

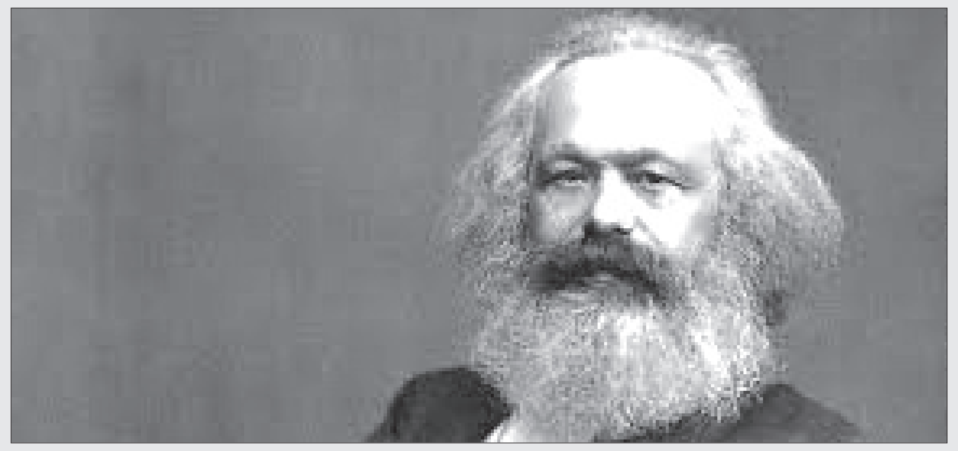

۱–توصیف؛مارکس به درستی دیالکتیک متافیزیکی هگل را از آسمان به زمین آورد. ایده های دیالکتیک هگل، نه زاده و درونبود «مطلق»، و نه بروز آنها مینوی و ایده آلیستی است، بل حاصلتنش و جدال طبقات اجتماعی است. دستگاه های ایدئولوژیک تاریخی نیزدر همه عرصه ها ریشه در گسل هایی دارند که مابین این طبقات شکل گرفته و می گیرد. این آغازی بود بر پایان ایده آلیسم. هگل در مبحث خدایگان و بنده مطلب مهمی ارائه می دهد که ناخواسته ایده آلیسم را بر ملا می کند. بنده از ترس خشونت و مرگ، واسطه میلِ خدایگان و طبیعتِ سخت است. بخش زمخت و سخت طبیعت به مَثابه امر فی نفسه به بنده واگذار می شود و بخش لغیره طبیعت از طریق کار بنده به میل و لذت خدایگان تعلق می گیرد. این خشونت بنیادین بنیاد تضاد غیرعقلانی طبقاتی و داستان همه تاریخ بشر است. نابرابری طبقاتی ناشی از یک خشونت و غلبه بنیادین، بخشی از مردم را اسباب لذت برخی دیگر می کند. ایدهآلیسم همان گفتمان طبقه خدایگان جهت بهره کشی از طبقات فرودست و بازتولید این شرایط اجتماعی است. بنابراین واژگونگی ای که مارکس درروند دیالکتیک به وجود آورد، این گفتمان را در حوزه تئوریک برملا و باطل ساخت.

۲– عصر مارکس زمانه نکبت و فقر بود. گرسنگی و مرگ و میر بدون هیچ پشتوانه حمایتی و حقوقی گلوی کارگران را می فشرد. در عین حال در نتیجه انقلاب صنعتی و رشد ناگهانی صنایع، کارگران به بزرگترین طبقه با تشکیلاتی منسجم و منظم بدل و در برابر این شرایط حالتی انقلابی به خویش گرفته بودند. در چنین وضعیتی روشنفکران تنها لازم بود به وظیفه تاریخی و ذاتی خویش عمل کنند: به طبقه و تشکیلاتی منسجم و ستم دیده برای مبارزه با قدرت نامشروع بپیوندند. این امر صورت گرفت و مارکس معروف ترین روشن فکری بود که پیش قراول این راه شد.

۳–مارکس توصیفی انتقادی از عصر سرمایه داری فراهم کرد که تا امروز باقیست و هنوز هم انقلابیان را دلگرم می کند. او تنها هدف سرمایه داری را افزایش سرمایه و تراکم هرچه بیشتر آن می داند و منشأ این افزایش یا رشد سرمایه را ارزش افزوده ای می دانست که از حاصل تفریق ارزش مبادله ای از ارزش ذاتی که در واقع همان میزان کار است، بدست می آمد. وی این سود را نامشروع و از قِبَل بیگاری یا عدم پرداخت مزد واقعی کارگر می دانست. به عبارتی وی ارزش مبادله ای کالا و ارزش ذاتی ناشی از کار کاگر را برابر و بنابراین ارزش افزوده را صفر می دانست. یا بهتر بگوییم به ساز و کار بازار و قاعده عرضه و تقاضای آن برای تعیین ارزش مبادله ای کالا اعتقاد نداشت. با این حساب هرگونه کسب ارزش افزوده از سوی سرمایه دار نوعی بیگاری از کارگر بود. ایدئولوژی طبقه حاکم از نظر وی دستگاهی مفهومی جهت توجیه و طبیعی قلمداد کردن این جریان بود. این ایدئولوژی به آدمی می آموخت که به خود و کارش نگاهی کالایی داشته باشد.کارگر اسیر سحر و رازآلودگی کالایی می شد که در واقع خود تولید کرده و فروش کار به عنوان کالا و تصاحبش توسط کارفرما را طبیعی قلمداد کند.مارکس هم کالا و هم پول را دارای نوعی راز آلودگی می داند که باعث فریب کارگران می شود، در صورتی که این رازآلودگی به واقع چیزی جز تجسم و بازنمود شبکه گسترده کار و فعالیت اجتماع انسانی نیست، و کارگر آن را به اشتباه به امری فراسوی روابط مادی کار ارجاع می دهد. مارکس می گوید، کار آدمی همان ذات و هویت آدمیست. کار سازنده انسانها و جهان آنها و همچنین عرصه هبستگی و پیوند جمعی آنهاست. بورژوازی فردیت را فقط در رابطه با مالکیت تعریف می کند. به لحاظ تاریخی هم این گونه بود، منظور بورژواها از رعایت حقوق فردی، اجازه مشارکت در مالکیت حاصل از تجارت بود.

۴–تمرکز مارکس بر روی مطالعه «روابط تولید» بود که یکسوی آن به کارگران و سوی دیگرش به سرمایه دار پیوند داشت. مسئله وی این بود که چرا در عین رونق بازار و رشد روزافزون سرمایه، کارگران هر روز فقیرتر می شوند. ایدئولوژی های روبنایی نظام سرمایه داری از گسل های تنش زای مابین طبقات ظهور کرده، ولی در پی رفع این تضادها نیستند بلکه آنها را در قالبی دیگر بازتولید می کنند. تنش نیروی تولید و روابط تولید پیش برنده دیالکتیک مادی ساختار و روابط تولید دراجتماع هستند. مارکس تمدن سرمایه داری را آخرین فرایند این دیالکتیک مادی و تاریخی می داند و در عین حال این وهله را حتی از مراحل قبل سیال تر می داند و تغییر و دگرگونی را ویژگی ذاتی عصر سرمایه می داند. از نظر وی بورژوازی بدون انقلاب دائم در ابزارهای تولید، مناسبات تولید و مناسبات جامعه نمی تواند به حیات خویش ادامه دهد. ایجاد این انقلاب های پیاپی، ناپایداری این دوران را از همه دوران های پیشین متمایز می کند. نیاز بورژوازی به بازاری دمادم در حال گسترش آن را به سراسر زمین می کشاند. هر آنچه محلی، مقدس و پایدار است، دود می شود و به هوا می رود. مارکس پایان این روند را نفی سرمایه داری و تضادهایش و برآمدن جامعه کمونیستی جهانی و بی طبقه و مجری این رخداد را طبقه کارگر و انقلاب جهانی آن می داند.

۵–پرولتاریا با خودآگاهی از نقش انقلابی خود بایستی شرایط موجود تضادهای طبقاتی و بطور کل طبقات را از میان بردارد. مالکیت خصوصی ملغی شده و هر انسانی باید آن اندازه کسب کند که نیاز دارد. به عبارتی تملکی که موجب می شود کارگر تنها برای این زنده بماند که به سرمایه و نظام سرمایه داری خدمت کند، ملغی می شود. البته مارکس استدلال می کند که مالکیت خصوصی هم اکنون نیز وجود ندارد و بیش از نود درصد مردم مستعجر یک اقلیت سرمایه دار کمتر از ده درصدی هستند. الغای مالکیت به معنای مصادره ثروتی است که در دست این اقلیت بلوکه شده و زندگی را بر اکثریت مردم تنگ کرده است.در این راستا مارکسیسم هندسه جنسیتی و به ویژه خانواده تک همسری را نیز زیر سوال می برد و آن را یک ساخت جنسیتی تاریخی می داند که با فروپاشی نظام سرمایه داری از بین می رود. ابزار تولید به جامعه تعلق گرفته و انسان با کار خود آشتی کرده و از خود بیگانگی می رهد. هر فرد به اندازه نیازش دریافت و به اندازه توانش کار می کند. آزادی فرد بیش از همیشه گردیده و هر فرد توانایی آن را دارد که ذاتش را نمایان و بیان کند. پرولتاریا سرانجام باید خودش را نیز به عنوان یک طبقه و همچنین دولتی را که تشکیل داده نیز ملغی کند. در این صورت کار انسانی عرصه همبستگی جمعی و بروز شایستگی های انسانی می گردد. البته اینها آرمانهای نهایی است. در فاز اول انقلاب که سوسیالیزم نام دارد راه برای رسیدن به فاز دوم که جامعه آرمانی کمونیستی است فراهم می گردد. در فاز نخست که در واقع ایجاد یک وضعیت استثنایی است، (وضعیت استثنا به معنای اشمیتی که در آن قانون و حقوق به تعلیق درآمده و دولت پلیسی جامعه را در جهت خاصی با خشونت جلو می برد) طبقه پرولتر باید تشکیل یک دولت دیکتاتوری داده و با تغییر مناسبات تولید و الغای مالکیت ابزار تولید و زدودن ایدئولوژی جوامع طبقاتی از ذهن ها، جامعه را در مسیر آرمان کمونیسم قرار دهد. این فازهای دوگانه به ویژه برای انقلابیانی مانند لنین اهمیت بسزایی داشت.

۶–تحلیل انتقادی؛روایت مارکسیسم مانند دیگر روایت های رستگاری(دینی یا سکولار، مسیحی یا هگل فرقی نمی کند) از یک وضعیت جهنم گونه آغاز و نوید یک بهشت را می دهد. این رویه هم در مورد سنگ بنای روایت تاریخی مارکسیسم یعنی «شیوه تولید آسیایی» یا وضعیت کارگران در قرن نوزده و هم در پایان روایت یعنی کمونیسم، لامکانی که همه آزادند و هرکس توانایی بیان و ظهور آنچه ذاتش اقتضا می کند، برقرار است. کار و تولید عرصه بروز شایستگی های انسان می شود و همگان در یک جامعه بی طبقه آباد و آزاد فارغ از بروکراسی و ستم دولت زندگی می کنند و.. به عبارتی در ابتدا و انتهای چنین روایات تاریخی دو ایده نشسته اند که تحقق نیافته و نمی یابند. به ویژه ایده بهشت. ممکن است برای توجیه ایده جهنم شواهد گوناگونی مثلا در زندگی کارگران یا در نظریه شیوه تولید آسیایی یافت شود، ولی برای توجیه ایده بهشت پایانی و رستگاری بشر بر روی زمین هیچ چیز جز آرزو وجود ندارد. واقعیت این است که نتیجه انقلاب های مارکسیستی در واقعیت همان فاز نخست بود یعنی سوسیالیزم. دیکتاتوری حزبی، لغو مالکیت خصوصی و دولت تمامیت گرا و بروکراسی بی انتها و نفی آزادی ها و حقوق فردی همه و همه با توجیه فاز دوم یعنی رسیدن به بهشت کمونیسم، اجرا شدند ولی بهشت هرگز نیامد و این عوامل زندانی شدند که شرایط را در کشورهای کمونیستی به مراتب از کشورهای سرمایه داری بدتر کرد؛ یک وضعیت استثنایی مدام. البته این مشکلات بیشتر از آنکه متوجه مارکسیسم باشد متوجه ابر روایتی است که نقش ستون فقرات عصر متافیریک یا عصر آهن را بازی می کند. عصری که با زرتشت آغاز شد و اکنون در پایان آن هستیم. این ابر روایت یک ساختار «ایده گانی» به عنوان دستگاهی ارزشی را بر واقعیت زیست انسانی می افزاید. ایده هایی چون دوزخ، رستگاری، عدالت، آزادی، برابری و.. از کلیدواژه های اصلی این دستگاه ارزشی هستند. اما به قول لاکان این دالها همه تهی هستند و هیچ مدلولی در واقعیت نداشته و نخواهند داشت. ابر روایتی که می گوید ما در «ازلیت مقدس/کمون اولیه /..» آزاد بودیم، اما در اثر «گناه/ستمگری/سودجویی/..» گرفتار «هبوط/از خود بیگانگی/..» شده ایم. باید بخود آییم و «عزم» پیمانی نو برای «نجات» از این «جهان خاکی/ دوزخ/ نظام سرمایه داری/..» کنیم تا به «بهشت/رستگاری/عدالت/آزادی/..» دست یابیم.این دالها همه تهی هستند و شاید مارکس برای تحلیل وضعیت بشر پیش از بررسی «ارزش افزوده» که کارفرما به جیب می زد، باید تکلیف این ارزش های افزوده تهی را مشخص می کرد.از آنجا که حلقه آخر چنین روایت هایی مفقود و تحقق ناپذیر است، این روایت ها تنها به چرخش قدرت سرکوبگر و بازتولید آنها منجر می شوند و همیشه آزادی و عدالت و دیگر دالهای تهی در آینده مطلق می مانند. اربابان قدرت هم که خود اولین کسانی هستند که پی به تحقق ناپذیری آرمانها می برند، به بازیگرانی حقیر بدل شده که فقط در پی سود شخصی خودشان می روند. چنانچه مدیران ارشد انقلاب های سوسیالیستی و دیگر انقلاب های ایدئولوژیک قرن بیستم به همین راه رفتند.البته این سخن به معنای نفی این ارزش های افزوده ایده گانی نیست، بلکه منظور این است که بایستی حوزه ایده ها و ارزش های افزوده اومانیستی و واقعیت مادی مشخص شود تا دستکم بدانیم ما تصمیم داریم جهان را به شکل آرمان های انسانی درآوریم.

۷– برخی مارکسیست ها مانند لویی آلتوسر به زبانی دیگر با این ارزش های افزوده به مخالفت پرداختند و هرگونه روایت اومانیستی از مارکسیسم را رد کردند. آلتوسر به یک «گسست معرفت شناختی» در اندیشه مارکس باور دارد ومی گوید مارکس از مرحله ای به بعد اومانیسم را کنار گذاشت و دیدگاهی «عینیت گرا» و «درکیعلمی از روابط تاریخ» را اختیار کرد. آلتوسر مروج ساختارگرایی در اندیشه مارکسیسم بود و به آزادی انسانها باور نداشت وکنش آنها را بیشتر وابسته به نیروهای تاریخی و ایدئولوژی های برآمده از تضادهای تنش زای طبقاتی می دانست. هر نظام اجتماعی برای بقای خود ناگزیر از بازتولید شرایط و روابط تولید است. ایدئولوژی ها این مهم را فراهم می سازند. ایدئولوژی ها که از شکاف تضاد طبقاتی بیرون می آیند، این تضادهای اجتماعی را تبدیل به گسل های اجتماعی کرده و بدین ترتیب شرایط و روابط تولید را حول این گسل های اجتماعی که همیشه امکان بروز بحران را دارند، دوباره احیا و تحمیل می کنند. ایدئولوژی ساختاری ذهنی نیست، بلکه یک سامانه نهادی و بروکراتیک است. ایدئولوژی نه باورها بلکه کنش ها و رویه ها و مؤسساتی است که انسان در آن به فردیت رسیده و جامعه پذیر می شود. به این ترتیب ایدئولوژی از مدرسه تا دانشگاه، از بیمارستان تا تیمارستان و زندان و انواع و اقسام نهادهای فرهنگی و امنیتی و .. که تحت ساخت بروکراتیک دولت ساماندهی می شوند را در بر می گیرد. به باور آلتوسر مارکسبیش از حد درگیر محیط درون کارخانه بود و کارکرد ایدئولوژی را که سرمایه داری از طریق بازسازی سوژه(ذهن) های ویژه این نظام از طریق تقسیم کار بیرونی، بازتولید می کند دست کم گرفت. زیرساخت های اقتصادی تنها در «وهله نهایی» تعیین کننده اند و ایدئولوژی مهمترین عامل تخصیص منابع و باز تولید شرایط و روابط تولید را بازی می کند. ساختارهای تئوریک دارای «عمق هستی شناختی» هستند و به سادگی به واقعیت ارجاع ندارند. همه تغییرات بزرگ اجتماعی در روند «علمی» تاریخ و از گسل های تنش زای مابین طبقات ناهمسود شکل می گیرند و انسان فردی نقش چندانی در این روند ندارد. نمی توان گفت که آلتوسر موفق به رفع مشکل بند ششم شده است. به هر حال تحقق ناپذیری آرمانها و پایدار شدن فاز نخست در عمل در این روند نیز پابرجاست. این را هم باید گفت که آلتوسر به درستی به ساختار عینی و سازمانی و برون کارخانه ای ایدئولوژی اشاره می کند. این توصیف مخاطبان مارکسیسم را از طبقه کارگر به مردم تبدیل می کند؛ چرا که ایدئولوژی بر روی ذهن مردم کار می کند و فقط درون کارخانه نیست.

۸–مارکس با تمام نبوغش فرزند زمان خویش بود. در قرن نوزده هنوز مدرنیسم و سرمایه داری تحقق نیافته بود و هنوز نظام با انرژی به رشدش ادامه می داد. فیزیک و تکنولوژی در میانه راه و هنوز در حال توسعه مکانیکی بودند و از صنایع الکترونیک خبری نبود. انقلاب صنعتی و رشد ناگهانی صنعت و تغییر پارادایم اقتصادی اروپا از کشاورزی و تجارت به صنعت، اکثر مردم را کارگر کرده بود و کمابیش معنای کارگران و مردم عادی منطبق بود. اما امروزه شرایط تغییرات گسترده ای کرده و با تحقق کامل مدرنیسم در همه ابعاد، دیگر کارگران بزرگترین و مهمترین طبقه اقتصادی نیستند. رشد صنایع خدماتی از قبیل توریسم، بانکداری و صنایع مالی و گسترش بازار و.. طبقات مهمی را در حوزه اقتصاد پدید آورده که مولد نیستند اما نقش مهمی در اقتصاد دارند. از این وضعیت دنیل بل اقتصاد دان آمریکایی رشته استدلالی بر علیه مارکسیسم ترتیب داده است بر این مبنا که طبقه اصلی انقلابی نظریه مارکسیسم دیگر اهمیت سابق را ندارد و بنابراین مارکسیسم رو به پایان است. از طرف دیگر اقتصاد مالی روز به روز مهم تر شده و در نظریه های نولیبرال بر اقتصاد تولیدی غلبه کرده است. توفق اقتصاد مالی که اغلب ماجراجویانه و سودجویانه از جانب طبقات بانکدار و بورس باز در تبانی با سیاستمداران بوده است، موجی ازبحران های مالی گسترده با زیانهایی بسیار،این بار نه برای کارگران که برای همه مردم خلق کرده است. البته مارکس نیز به رازآلودگی پول و استثماری که در آن نهفته است پی برد ولی هیچ گاه این خط فکری جایگاه واقعیش را در اندیشه وی نیافت. امروزه ساختارهای مالی در پیوند با ایدئولوژی به ابزار اصلی قدرت بدل شده است.پول بر اساس جایگاه های ایدئولوژیک و خونی در بین «خودی ها» توزیع می شود. پولی که به مثابه یک بدهی ملی و به حساب همه مردم خلق می شود، بین افرادی خاص که جایگاه ایدئولوژیک دارند یا در پیوند خونی و خانوادگی با جایگاه های ایدئولوژیک هستند، تقسیم می شود و مردم هر روز بدهکارتر و باید برای پرداخت این بدهی ملی بیگاری بدهند. این تازه وضعیت عادی است، بحران هایی که به صورت پی در پی این ساختار فاسد مالی خلق کرده و طبقات متوسط را در کف خیابانها رها می کند، به جای خود باقیست. این جایگاه رازآلود و قدرتمند را چه کسی به پول داده؟ با کدامین اعتبار و پشتوانه اقلیتی معدود یک شبه میلیاردر می شوند و اکثریت به خاک سیاه می نشینند؟ پاسخ روشن است به پشتوانه مقدس ترین و اسطوره ای ترین معبد تاریخ: دولت.

۹–جمع بندی؛ مسما مارکسیسم ارتودوکس دیگر امکان تداوم ندارد. تمامیت مردم اعم از کشاورزان، کارمندان، بازاریان، کارمندان، پیشه وران، صنعت کاران، کارگران، دانشگاهیان و دانشمندان و.. امروزه به جای کارگران نشسته اند و اگر قرار است حقی از ساختار قدرت که حول ایدئولوژی و پول در هم پیچیده، استیفا شود، این حق مربوط به همه مردم یعنی ۹۹ درصد جمعیت فعلی جهان است. در دوران معاصر بیشتر وارثان مارکسیسم به اردوگاه نظریه انتقادی در ذیل نام هایی چون مکتب فرانکفورت، دریدا، فوکو، دلوز، آلتوسر، آگامبن و.. جمع شده اند. اینان به ضرورت هر چه بیشتر کار نظری و انتقادی به جای خام اندیشی های قرن نوزده پی برده و بحث هایی دامنه دار و تاثیر گذار در قرن بیستم به راه انداختند که ماحصل تئوریک آنها وارد قرن بیست و یک گردیده است. احتمالا در آینده دیگر بشر به دنبال آرمان کمونیسم نیست، ولی اسطوره زدایی و به قول آگامبن ناسوتی سازی قدرت و دولت و پول، همچنین کارهای فوکو در ایضاح مفهوم قدرت و تحلیل گفتمان، ساختار شکنی دریدا و قلمروزدایی و تفاوتهای سطحی(در برابر تفاوتهای سلسله مراتبی) دلوز، پدیدارشناسی هوسرل و هایدگر، آثار اگزیستانسیالیستی در دفاع از واقعیت هستی فردانی و زیستی انسان در برابر مفاهیم متافیزیکی و..مکاتبی بودند که در ذیل نظریات مکتب انتقادی توسعه یافته و در آینده زمینه عقلانیتی را که گذر دهنده انسان از عصر گذشته یعنی عصر آهن باشد را فراهم خواهد آورد. ما تازه در نیمه راهیم...نیم روز بزرگ!

ارکس یا شبح ارفئوسی پدر هاملت

خسروبنایی

وقتی هر بار نام مارکس به گوشم می خورد دیگر نه آن طنین تهی و خاموش و بی مدلول چهار ده سالگی را دارد که در نقطه صفر تداعی قرار داشت ونه آن مارکسی که اسم اعظمی بود، که فقط با تکریم و احترام به پدر معنوی کمونیست ها به زبان می آمد. پیامبری که الهام بخش انقلاب و دیگرگونی های رادیکال بود. وقتی برای اولین بار تاریخ، از پیام آوری واقعی و رهایبخش برای بهره کشان برخوردار می شد.روزی را فراموش نمی کنم که برای نخستین بار مانیفست را در دست گرفتم. از همان اولین سطرها هیبت و کلماتش چون براده های آتشفشان ، اشتیاق رمانتیک ام را شعله ور می کرد. با تمام غرایب نا مفهوم اش ، برای نوجوانی ما نیروی محرکه بود که در بحث ها ،ذهنیت خام روزهای انقلابی را پرمی کرد که با زبانی استعلایافته و نامانوس ، جغد مینروا آگاهی را در شب های راکد ما به پرواز در می آورد . حتی لحظه ای به این باور فانتزی فوکو دل نبستیم که مارکس به سان ماهی بود که در آبهای قرن نوزده شنا می کرد و در آب های قرن بیستم می مرد .برای ما مارکس مثل شبح پدر هاملت ژاک دریدا بود که هر شب می توانست با ما حرف بزند و بگوید حقیقت چیست و راه کدام است ؟ و نوید تراکم بیست سال انتظار را در یک روز بدهد.وقتی که شکل ، گنجایش مضامین را ندارد .اما در نسل ما مارکس بیش از آنکه بهانه ای برای بحث ها باشد تزیینی از برگزیده ترین جملات قصار بود که در روایتی دست سوم از خلال انبوهی از کتاب ها ترجمه های روسی به دستمان می رسید . خوانش مارکس کار آسانی نبود. نادانسته ترجیح میدایم که سیمای غیر فلسفی و کاربردی آنرا از متن های تفسیر شده بیرون بکشیم . مارکسی از سه منبع و سه جزء که لنینیسم آنرا معرفی می کرد که خود در همان جزوه به صراحت می گفت خواندن مارکس بدون هگل امکان ناپذیر است .اما خود او تاریخ اروپا را در زمان مارکس به سه بخش تقسیم می کرد که از انقلاب ۱۸۴۸ فرانسه به کمون پاریس می رسید و بعد به انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و در آخر به انقلاب اکتبر ختم می شد . خوانش لنینیست از انقلاب خوانشی قرن بیستمی از مارکس درمفهوم انقلاب بود . که می توانست منبع مهمی برای انقلابات شرق در ایران و ترکیه وچین باشد. وقتی لنین حرف از دمکراتیسم قهرمانانه توده ها در مقابل اصول سابق سرواژ در آسیا حرف می زد و می گفت : این واقعیت که آسیاس هشتصدملیونی به مبارزه در راه همان ایده آل های اروپا جلب شده است ، یاس نه بلکه قوت قلب باید دست بدهد . بی شک این لنین بود که روح انقلابی مارکس را هم در شرق اروپا و هم در بخش قابل اعتنایی از آسیا تفسیر و تدوین و اجرا می کرد. کاری که پیش از آن انگلس با تدوین ماتریالیسم تاریخی کردو مهر مارکسیسم را بر پیشانی نظریات جبرباورانه اش زد . گرچه در اواخرانگلس به دلیل رشد حزب سوسیالیست آلمان از صدهزار عضو در ۱۸۷۱ به یک میلیون و هشتصد عضو در ۱۸۹۵ معتقد شد که مارکسیست ها به وسیله راه های قانونی بهتر از قهرآمیز رشد می کنند و همین دیدگاه او مستمسکی برای رهبران انترناسیونال دوم شد که برخلاف تفسیر انقلابی لنین از مارکس به شیوه های مسالمت آمیز و پارلمانی برای گذار به سوسیالیزم فکر می کردند . اما میراث سیاسی مارکس برای ما سهل الهضم تر از میراث آلمانی او در فلسفه بود . و مارکس اقتصادی که عمری را برای نوشتن سرمایه و مفهوم ارزش اضافی گذاشته بود را همیشه در پرانتز گذاشته بودیم . مارکس شاعر کالا ها . همان کالا که عینیت و تجسم وسمبل و نشانه سرمایه داری محسوب می شد . بنابراین ما همیشه با مارکسی تصفیه شده مواجه بودیم که ذهن ناشکیب را در بیرون دقایق فکرمی گذاشت و اورا فقط یک انقلابی می دید که دردست راستش مانیفست است و در دست چپ اش کاپیتال که چون متنی که برای ماسر به مهر و نفوذ ناپذیر می نمود . چرا که میراث کلاسیک نه کاربردی ست نه خواندنی .وقتی جرج برنارد شاو می گفت یکی از بزرگترین آرزوهایم خواندن کاپیتال مارکس بود وقتی آن را خواندم فهمیدم در آمریکا من نفر بیستمی هستم که کاپیتال را تا آخر خوانده است . اما طنز شاو بر ملا کنند سیمایی نه چندان حقیقی ولی واقعی مارکس دوستانی ست که مارکس را نخوانده دوست دارند چرا که محبوبیت مارکس هم سنگ و محبوبیت خود واژه انقلاب در قرن نوزدهم و بیستم بود .مارکس در سلیقه جهان سومی و جوامع توسعه نایافته به نظر میرسد رادیکال ترین نظرات مارکس را جذب کرده است .اما نه بطور عینی و جبری و با گذار وطی کردن توالی فرماسیون های (صورتبندی های اقتصادی اجتماعی) پنجگانه که در آخر به سوسیالیسم می رسید . موجبیت گرای و حرکت به سوی آزادی با عاملان تاریخ که این بار نه طبقه کارگر که نقش برجسته اش در اختیار روشنفکران انقلابی است . دیدگاهی که بیش از آنکه مارکسیستی باشد ملهم از لنینیست است . به خاطر عدم انسجام و شکل گیری طبقات ، یک نیروی میانجی یا حزب و گروه پیشاهنگ نقش واسطی برای خود آگاهی و اقدام عملی برای این خلاء معنوی و ذهنی را بازی می کند . آنها صدای طبقات خاموش می شوند که هنوز فرصت سازمان یابی پیدا نکرده اند .

تسلط شکل های از استبداد مطلق در جوامع پیشا سرمایه داری باعث تفاسیر جدیدی از مارکسیست شده به گونه ای که لنینیست در شوروی سابق مارکسیست عصر امپریالیست محسوب شده است . در واقع لنینیست نسخه واقعی تحقق ایده های سوسیالیستی در جوامع پیشا سرمایه داری بود که مارکس نه در موردش فکر کرده بود و نه آن را عملی می دانست .چرا که مارکس تحقق سوسیالیست را یک پدیده جهانی می دانست و همچنین آنرا رشد یافته ترین شکل سرمایه داری می دانست که به مازاد کلان تولید ورفاه رسیده است .

بیشک در ذهن مارکس هم خطور نکرده بود که جوامع ماقبل سرمایه داری باراهی میانبر می توانند به سوسیالیسم برسند که حداقل نیروهای مادی اش تکامل یافته تر از سرمایه داری باشد .

انگار به قول تری ایگلتون انتظار داشته باشیم که اینترنت در قرون وسطی به یکباره شکل بگیرد. در صورتی که در کشورهای فقیر همانگونه که مارکس در ایدئولوژی آلمانی گفته همان داستان کثیف قدیمی شکل می گیرد، نوعی سوسیالیسم کمیابی . چون مارکس معتقد بود که در شرایط کمیابی منابع نمی توان طبقات اجتماعی را از میان برداشت .شاید اینگونه به نظر رسد که قرن بیست ، نوعی پایان تراژیک بر فکر و اندیشه پیامبرانه و کلان روایت ها به قول پست مدرن ها باشد . انگار ذهنیت مسیانیک و فرجام باورانه به اندازه کافی در قرن بیستم آسیب دیده است . هزاران انسان قربانی جنگ هایی شده اند که با انگیزه های خیر خواهانه و ایدئولوژیک از بین رفته اند. هولناک ترین آنها جنگ اول و دوم و آخری فروپاشی جوامع سوسیالیستی بود که همزمان دو نام بزرگ را به عنوان پشتوانه معنوی یدک می کشید . لنین و مارکس .ولی طنز تاریخ این است که سرمایه داری با منطق بازار ظاهرن پیروز بلامنازع این میدان بوده است .و برخلاف پیش بینی های مارکس تضاد ها و بحران هایش را پشت سر گذاشته و هر بار به انباشت بیشتری دست پیدا کرده .به گونه ای که در سال ۲۰۰۱ مطابق با گزارش بانک جهانی ۲میلیارد و ۷۴۰ میلیون نفر انسان با در آمدی کم تر از دو دلار در روز امرار معاش می کردند . انگار درون این شکاف های درآمدی دوباره اشباح مارکس پرسه می زند .مارکسی که موتور متحرکه تاریخ را نزاع طبقات و پیشرفت نیروهای مولد ونیروی تولیدی را عاملی برای ساختن مناسبات جدید اجتماعی می دانست .

جالب است بدانیم که هیچ نیرویی به اعتقاد مارکس به اندازه سرمایه داری خود رادر جهان و تاریخ گسترش نداده است . او بر این نظر بود که بورژوازی یگانه طبقه حاکمی است که اقتدارش را از نیاکانش به ارث نمی برد ، بلکه از آنچه عملا انجام داده کسب می کند . توصیفات او در اولین رساله اش یعنی مانیفست گاه تناقض آمیز و اعجاب آور است وقتی به ستایش و نیروی برانگیخته و انرژیک سرمایه داری انگشت می گذارد. ..سرمایه داری رویایی که شاعران و هنرمندان و روشنفکران فقط در ذهن داشتند را تحقق بخشیده است . او در مانیفست می نویسد : « بورژوازی عجایبی پدید آورده است ست عظمیتر از اهرام مصری و آبگذرهای رومی و کاتدرالهای گوتیک . جابجایی جمعیتهایی چنان انبوه را هدایت کرده است که در برابرش مهاجرت ملل و لشکرکشیهای قدیمی ناچیز می نماید « اما او هم در مانیفست و هم در اثر بزرگ اش سرمایه (کاپیتال) به محدودیت های این نظام اشاره می کند .این شاعر کالا ها که به نقد بی رحمانه سرمایه داری می پردازد و می گوید ما در اجتماعی گرد می آییم که تحول آزاد هر فرد شرط تحول آزاد همه خواهد بود .اما مارکس پیش از آنکه قرن نوزدهمی باشد که از میراث و تربیت نیمه لیبرالی قرن نوزدهمی برآمده ، انگار به تمام قرن ها تعلق دارد . اما دیدگاه و انبوه نوشته های او که هنوز کاملن به چاپ نرسیده اند نگاهی سراسر بین به تاریخ دارد. یک منتقد بی ملاحظه که در عنفوان جوانی دو استاد و راهنمایی خود یعنی هگل و فورئرباخ را به نقد بی رحمانه می کشاند . و همین منش وروش رادیکال است که مارکس با کنار زدن پرده های کاذب و روح دروغین فاست در پروژه های غول آسای تغییرات جهان می کند .چرا که فاست در همدستی با مفیستوفلس (شیطان) روح توسعه را بدون محدودیت به پیش می برد . اما مارکس معتقد به ادامه پروژه ناتمام مدرنیته است و به جای منطق توسعه منفعت جویانه نماد های خودش را می نشاند پرومتئوس (کار) و اورفئوس (عشق را) و به انحلال تضاد طبقات وبرچیدن دولت و حتی امر سیاسی در کمونیسم خویش نظر دارد . آنجا که بیگانگی انسان ازانسان در اثر مازاد تولید در سرمایه داری پیشرفته اهرمی برای تحقق و رهایی همه انسان ها می شود. ودیگر نیازی به بهره کشی در اشکل بدوی نیست ودر اثر رشد و سرمایه باعث فراغتی می شود که آدمی بهتر می تواند استعداد های نهفته اش را متحقق کند